عساله بالکسر موضع عسل و بالفتح وتشدید سین زنبور عسل وخانه عسل عشرة صحبت داشتن
وخوش زندگانی کردن وبفتحتین ده عشیرة قبیله وتبار وخویشان وسعد العشیرة قبیله ایست
از یمن عشاوه شب کوری وروز کوری عشوه بالضم وبالکسر آتشی که بشب دیده شود
واز دور ومرتکب کاری شدن بی آنکه دانسته شود وبالفتح نیز آمده وبالفتح تاریکی میان اول
شب یا چهارم حصه شب عصمه بالکسر باز داشتن ونگاه داشتن از گناه وخوف کسی را
وبالضم والکسر گردن بند وحمایل وسپیدی بازوی آهو ومانند آن عصبه بالضم مردان واسپان
ومرغان از بیست تا چهل مرادف عصابه وبفتحتین آنانکه وارث کسی شوند ونسبت پدری
وپسری که با او نداشته باشند ودر فرایض عصبه هر کسی که خویش کسی باشد واو را حصه معین
وفریضه معلوم نباشد بعد از اهل فرایض هرچه باند آنرا بگیرد وقوم کسی که برای او تعصب
ورزند ونصرت کنند عصابه بالکسر آنچه بدان سر وجز آن بسته شود ودستار را
نیز گویند وگروهی از مردم واسپان ومرغان عصارة بالضم ثفل چیزی فشرده وآبی که از
افشرده بچکد عصیده نوع حلوائیست عضادة بالضم چوب طرف در که آنرا بازوی در گویند وبالکسر
داغی که بر بازوی ستور کنند عضله بالکسر جزو گوشت عظله بالکسر بند وبند دادن عظمه
بفتحتین بزرگی قدر ونخوت وتکبر عظموت مرادف آن عفه بالکسر وتشدید فا پرهیزکاری
وپارسا شدن وبالضم بقیه شیر در پستان وعجوز وماهی سفید خورد که مزه برنج دهد وبالفتح زن پارسا
عفافه بالفتح پارسا شدن وبالضم بقیه شیر در پستان جمع شده وبقیه شیر در پستان بعد از
بر شدن عقربان بالکسر دیو خبیث وستیزنده وبغایت رسنده وزیرک در کار عقبه
بالضم نوبت وبدل وعوض وچیزی از خوردنی که در دیگ عاریتی بخداوند دیگ فرستند
واثر داغیست وخوبی وجمال وجز آن وبکسر نیز آمده وبفتحتین جای بر آمدن دشوار از کوه
که بدشواری از آن بالا توان رفت عقده بالضم گره وحکومت وتصرف بر ملکی و آب
بسیار وزمین وجای درخت وگلستان عقره بالفتح والضم نازایندگی عقه بالفتح

وتشدید قاف موی مولود عقیقه موی مولود وبرقی که در میان ابر درخشد وپتری که سوی
آسمان پرتاب کنند وگوسپند وجز آن که در هفته نخست مولود بجهت مولود قربان کنند
ولشم بز وگوسپند که برای مولود قربان کنند عقیله زن مستوره کریمه وشتر گرامی
وسید قوم وبهترین هر چیز ومروارید عقله بالضم بند ونام شکلی است از اشکال رمل
بدین صورت علوة بالفتح درختی است وگردا گرد سرا ومحل کالغفار عکاشه بالضم وتشدید
کاف عکاشة بن محصن گویند ودر اصل بمعنی عنکبوت است عکه بالضم وتشدید کاف
ظرف روغن وجز آن وریگ توده گرم که آفتاب بر وتابیده باشد ورنگی که شتر باده
آبستن را هنگام آبستنی ظاهر شود وسختی گرما وبالفتح نام موضعیست عکرمه
بکسر عین در اکبوتر ماده وپدر قبیله ونام صحابیست که پسر ابوجهل بود که بشرف
اسلام مشرف شد ونیز مولای ابن عباس که راوی احادیث وآثار است علامه
بالفتح ثانی وتشدید لام بسیار دانا علقه بالضم آویزش وقوة روزگار وچیزی اندک
وبالکسر جامه کودک نوزاد وپیراهن بی آستین وجامه نفیس ودرختیست که بدان د
دباغت کنند وبفتحتین پاره از خون بسته علانه بالفتح سندان وسنگی که بر آن قروت گذارند
تا خشک شود علاقه بفتح آویزش وخصومت ودوستی لازم بدل وکسر نیز آمده وقوتی که
بدان روز را بگذرانند وبالفتح والکسر آنچه بمردم در آویزد وبعضی گفته اند که علاقه بالفتح آویزش
ودوستی وجز آن وبالکسر علاقه تازیانه ومانند آن علاقیه روزن ثمانیه اکه خنک ورزند
بچیزی که از آن دست باز ندارد علیقه ستوری که برماده فرستند وخوراک ستور
علوفه بالضم علف وخورش چارپا علانیه آشکار کردن علقمه بالفتح نام مردیست دانشمند
تابع ومشهور بست بغرب علاوة بالضم بلندی وبالکسر بالای سر وگردن ومیان دو تنگ بار
وهر چیزی که بالای چیزی باشد وهر چیز که بر سر چیزی باشد وزیاده کنند وآنرا بفارسی سربار
میگویند علالة بالضم بهانه وبقیه شیر وباقی هر چیز علة بالکسر وتشدید لام بیماری ووجه وسبب

Copyright © King Saud University